

دکتر علی ططری

استاد دانشگاه و مدیر مرکز
استاد مجلس شورای اسلامی

پژوهشگران از اصطلاح «حاکمیت (governance)» برای اشاره به تنظیم روابط وابسته در غیاب یک قدرت سیاسی فراگیر، نظیر آنچه در نظام‌های بین‌المللی اتفاق می‌افتد، استفاده می‌کنند. حاکمیت دربرگیرنده تمام مؤسسات، سیاست‌ها، هنجارها، رویه‌ها و ابتکار عمل‌هایی است که دولت‌ها و ملت‌ها تلاش می‌کنند از طریق آنها، پیش‌بینی‌پذیری، ثبات و نظم بیشتری در رویارویی با چالش‌های فراملی ایجاد کنند. هر چند اهمیت حاکمیت جهانی مورد تصدیق قرار گرفته است، شاهد نیاز روزافزون برای مدیریت کارآمدتر مشکلات جهانی هستیم که علت آن افزایش وابستگی متقابل در روابط بین‌المللی است.

دستیابی به حاکمیت موثر جهانی بدون همکاری موثر بین‌المللی امکان‌پذیر نیست. همکاری بین‌المللی در کنار ایجاد انسجام بین‌المللی، روشی برای ارتقای علاقه‌مندی‌ها و ارزش‌های مشترک و کاهش آسیب‌پذیری ناشی از افزایش وابستگی‌های متقابل است. در سال ۱۹۴۵، کشورهای عضو سازمان ملل متحد محوریت همکاری‌های بین‌المللی را در «حل مشکلات بین‌المللی اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، یا باماهیت‌بشر دوستانه‌وار تقاوتشویق احترام‌به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی برای همه بدون تمایز نژاد، جنسیت، زبان یا مذهب» به رسمیت شناختند. با تصویب اعلامیه حق توسعه در سال ۱۹۸۶ به روشی از دولت‌ها خواسته شد که به صورت جمعی برای ایجاد یک محیط مناسب برای توسعه، به‌ویژه از طریق رفع موانع و ایجاد فرصت‌ها اقدام کنند. اما همکاری‌های بین‌المللی و مکانیزم‌های حاکمیتی منتج از آن عملکرد موثر و کافی نداشته‌اند. اقدامات برای پاسخگویی به چالش‌های جاری، بیشتر در سطح ملی انجام شده و واکنش‌های جهانی، ناکافی و ناقص بوده یا به‌سازگاری اتفاق نیفتاده است. به‌علاوه تنش در حال رشد میان فرآیندهای تصمیم‌گیری در سطح ملی و بین‌المللی شکل گرفته است. سیاست‌های بومی با توجه به جایگاه اقتصاد کشور با منطقه مورد نظر و الگوی یکپارچه شدن آن در اقتصاد جهانی می‌توانند تأثیرات فرعی مثبت یا منفی قابل توجهی به بهبود شرایط و رفاه جهانی داشته باشند. بنابراین یک سوال اصلی چگونگی ایجاد اصلاحات در نهادهای مسئول در حاکمیت جهانی است. در این زمینه سه مسأله مطرح می‌شود: ۱- نظام حاکمیت کنونی جهانی از امکانات مناسب برای مدیریت رشد یکپارچه جهانی از وابستگی متقابل میان کشورهای برخوردار نیست. ۲- نظام حاکمیت کنونی عدم تقارن در زمینه دسترسی، فرآیندها و نتایج دیده می‌شود. ۳- مقررات جهانی به گونه‌ای منجر به کوچک شدن فضای سیاست‌گذاری دولت‌های ملی، به‌ویژه در رابطه با کشورهای در حال توسعه شده است که مانع از کاهش نابرابری میان کشورهای توسعه‌یافته و مدیریت کارآمد وابستگی متقابل تأمین نمی‌کند.

وابستگی متقابل کالاهای عمومی جهانی
فرآیند کنونی جهانی شدن باعث برجسته شدن وابستگی متقابل میان کشورهای توسعه‌یافته و کشورهای کم‌توسعه شده و به‌ویژه در رابطه با کشورهای در حال توسعه شده است که مانع از کاهش نابرابری میان کشورهای توسعه‌یافته و مدیریت کارآمد وابستگی متقابل تأمین نمی‌کند.

فرآیند کنونی جهانی شدن باعث برجسته شدن وابستگی متقابل میان کشورهای توسعه‌یافته و کشورهای کم‌توسعه شده و به‌ویژه در رابطه با کشورهای در حال توسعه شده است که مانع از کاهش نابرابری میان کشورهای توسعه‌یافته و مدیریت کارآمد وابستگی متقابل تأمین نمی‌کند.

فرآیند کنونی جهانی شدن باعث برجسته شدن وابستگی متقابل میان کشورهای توسعه‌یافته و کشورهای کم‌توسعه شده و به‌ویژه در رابطه با کشورهای در حال توسعه شده است که مانع از کاهش نابرابری میان کشورهای توسعه‌یافته و مدیریت کارآمد وابستگی متقابل تأمین نمی‌کند.

حاکمیت جهانی و لزوم تحول برای توسعه



توزیع قدرت در جهان را به نمایش می‌گذارد. این کشورها در حدود ۸۵ درصد از تولید ناخالص داخلی جهان (GDP) و ۶۵ درصد از جمعیت جهان را شامل می‌شوند. با این حال، تعداد زیادی از کشورهای در حال توسعه در این گروه حضور ندارند. در واقعیت گروه ۲۰ را می‌توان در ادامه الگوی دانست که آن را «چندجانبی‌گرایی» (Elite multilateralism) نامیده‌اند، چارچوبی که نگرانی‌های جدی در رابطه با نمایندگی، فراگیرندگی و پاسخگویی در آن وجود دارد.

یکی از نیروهای مهمی که حاکمیت را در سطح ملی و بین‌المللی شکل می‌دهد، شرکت‌های بزرگی هستند که برای تصویب قوانین و سیاست‌هایی که همسو با منافع آنهاست، جریان‌سازی و اعمال نفوذ می‌کنند. برای مثال در تهیه پیمان تجاری و سرمایه‌گذاری فرا آتلانتیک، کمیسیون اتحادیه اروپا، حداقل ۱۱۹ جلسه پشت درهای بسته با شرکت‌های بزرگ و گروه‌های رأی‌زنی آنها برگزار کرد اما تنها چند جلسه با اتحادیه‌های کارگری و گروه‌های مصرف‌کننده داشت. سازمان‌های مردم‌نهاد (NGO) تا حدودی می‌توانند به‌عنوان روزه تعادل در برابر قدرت شرکت‌هایی از این دست عمل کنند. اگرچه امروزه برخی از سازمان‌ها تلاش‌های کم‌تری برای تسهیل تحرک سرمایه و کالا و خدمات وجود داشته است. فرآیندهای دیگری نیز دسترسی به دانش و اختراعات را محدود کرده‌اند اما تلاش‌های کم‌تری برای تسهیل تحرک نیروی انسانی متخصص و ایجاد محدودیت‌های سختگیرانه برای مهاجرت نیروی کار غیرمتخصص صورت گرفته است.

در حقیقت متوسط سالیانه جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی جهانی (FDI) از ۲۰۰ میلیارد دلار در بازه زمانی ۱۹۹۵-۱۹۹۰ به ۱۵۰۰ میلیارد دلار در سال‌های ۲۰۰۵-۲۰۱۰ رسیده که رشدی هفت برابری داشته است. ارقام متناظر برای صادرات جهانی کالا و خدمات رشدی چهار برابری را نشان می‌دهد. (افزایش از ۲۸۸ تریلیون دلار به ۱۶۲ تریلیون دلار). تخمین زده می‌شود متوسط جریان سالیانه مهاجرت خالص از کشورهای در حال توسعه، از ۱۰ میلیون نفر

در حال توسعه، از اعطای پذیرگی کفافی برخوردار نبوده‌اند. در حقیقت شواهد متناخر نشان از آن دارد که کشورهای توسعه‌یافته، سیاست‌گذاری‌های صنعتی را بسیار بیشتر از کشورهای فرعی و تجربیات می‌کنند، به‌ویژه از زمان بحران مالی سال ۲۰۰۸ که ایالات متحده آمریکا و بسیاری از کشورهای اروپایی، از اشکال مختلفی از محرک‌ها و اقدامات احتیاطی برای نجات مالی شرکت‌های خصوصی استفاده کرده‌اند. اعطای سوسیدهای زیاد به تولیدکنندگان محصولات کشاورزی در کشورهای توسعه‌یافته، نباید نماند. این نمونه‌ها از استفاده گسترده از سیاست‌های صنعتی برای حمایت از جایگاه رقابتی بخش‌های خاص در برابر رقیبان خارجی باشد. این شرایط نگرانی‌ها را به عدم تقارن در استفاده (باسوا استفاده)

در حال توسعه، از اعطای پذیرگی کفافی برخوردار نبوده‌اند. در حقیقت شواهد متناخر نشان از آن دارد که کشورهای توسعه‌یافته، سیاست‌گذاری‌های صنعتی را بسیار بیشتر از کشورهای فرعی و تجربیات می‌کنند، به‌ویژه از زمان بحران مالی سال ۲۰۰۸ که ایالات متحده آمریکا و بسیاری از کشورهای اروپایی، از اشکال مختلفی از محرک‌ها و اقدامات احتیاطی برای نجات مالی شرکت‌های خصوصی استفاده کرده‌اند. اعطای سوسیدهای زیاد به تولیدکنندگان محصولات کشاورزی در کشورهای توسعه‌یافته، نباید نماند. این نمونه‌ها از استفاده گسترده از سیاست‌های صنعتی برای حمایت از جایگاه رقابتی بخش‌های خاص در برابر رقیبان خارجی باشد. این شرایط نگرانی‌ها را به عدم تقارن در استفاده (باسوا استفاده)

در حال توسعه، از اعطای پذیرگی کفافی برخوردار نبوده‌اند. در حقیقت شواهد متناخر نشان از آن دارد که کشورهای توسعه‌یافته، سیاست‌گذاری‌های صنعتی را بسیار بیشتر از کشورهای فرعی و تجربیات می‌کنند، به‌ویژه از زمان بحران مالی سال ۲۰۰۸ که ایالات متحده آمریکا و بسیاری از کشورهای اروپایی، از اشکال مختلفی از محرک‌ها و اقدامات احتیاطی برای نجات مالی شرکت‌های خصوصی استفاده کرده‌اند. اعطای سوسیدهای زیاد به تولیدکنندگان محصولات کشاورزی در کشورهای توسعه‌یافته، نباید نماند. این نمونه‌ها از استفاده گسترده از سیاست‌های صنعتی برای حمایت از جایگاه رقابتی بخش‌های خاص در برابر رقیبان خارجی باشد. این شرایط نگرانی‌ها را به عدم تقارن در استفاده (باسوا استفاده)

در حال توسعه، از اعطای پذیرگی کفافی برخوردار نبوده‌اند. در حقیقت شواهد متناخر نشان از آن دارد که کشورهای توسعه‌یافته، سیاست‌گذاری‌های صنعتی را بسیار بیشتر از کشورهای فرعی و تجربیات می‌کنند، به‌ویژه از زمان بحران مالی سال ۲۰۰۸ که ایالات متحده آمریکا و بسیاری از کشورهای اروپایی، از اشکال مختلفی از محرک‌ها و اقدامات احتیاطی برای نجات مالی شرکت‌های خصوصی استفاده کرده‌اند. اعطای سوسیدهای زیاد به تولیدکنندگان محصولات کشاورزی در کشورهای توسعه‌یافته، نباید نماند. این نمونه‌ها از استفاده گسترده از سیاست‌های صنعتی برای حمایت از جایگاه رقابتی بخش‌های خاص در برابر رقیبان خارجی باشد. این شرایط نگرانی‌ها را به عدم تقارن در استفاده (باسوا استفاده)

در حال توسعه، از اعطای پذیرگی کفافی برخوردار نبوده‌اند. در حقیقت شواهد متناخر نشان از آن دارد که کشورهای توسعه‌یافته، سیاست‌گذاری‌های صنعتی را بسیار بیشتر از کشورهای فرعی و تجربیات می‌کنند، به‌ویژه از زمان بحران مالی سال ۲۰۰۸ که ایالات متحده آمریکا و بسیاری از کشورهای اروپایی، از اشکال مختلفی از محرک‌ها و اقدامات احتیاطی برای نجات مالی شرکت‌های خصوصی استفاده کرده‌اند. اعطای سوسیدهای زیاد به تولیدکنندگان محصولات کشاورزی در کشورهای توسعه‌یافته، نباید نماند. این نمونه‌ها از استفاده گسترده از سیاست‌های صنعتی برای حمایت از جایگاه رقابتی بخش‌های خاص در برابر رقیبان خارجی باشد. این شرایط نگرانی‌ها را به عدم تقارن در استفاده (باسوا استفاده)

در حال توسعه، از اعطای پذیرگی کفافی برخوردار نبوده‌اند. در حقیقت شواهد متناخر نشان از آن دارد که کشورهای توسعه‌یافته، سیاست‌گذاری‌های صنعتی را بسیار بیشتر از کشورهای فرعی و تجربیات می‌کنند، به‌ویژه از زمان بحران مالی سال ۲۰۰۸ که ایالات متحده آمریکا و بسیاری از کشورهای اروپایی، از اشکال مختلفی از محرک‌ها و اقدامات احتیاطی برای نجات مالی شرکت‌های خصوصی استفاده کرده‌اند. اعطای سوسیدهای زیاد به تولیدکنندگان محصولات کشاورزی در کشورهای توسعه‌یافته، نباید نماند. این نمونه‌ها از استفاده گسترده از سیاست‌های صنعتی برای حمایت از جایگاه رقابتی بخش‌های خاص در برابر رقیبان خارجی باشد. این شرایط نگرانی‌ها را به عدم تقارن در استفاده (باسوا استفاده)

نتیجه‌گیری

در حال توسعه، از اعطای پذیرگی کفافی برخوردار نبوده‌اند. در حقیقت شواهد متناخر نشان از آن دارد که کشورهای توسعه‌یافته، سیاست‌گذاری‌های صنعتی را بسیار بیشتر از کشورهای فرعی و تجربیات می‌کنند، به‌ویژه از زمان بحران مالی سال ۲۰۰۸ که ایالات متحده آمریکا و بسیاری از کشورهای اروپایی، از اشکال مختلفی از محرک‌ها و اقدامات احتیاطی برای نجات مالی شرکت‌های خصوصی استفاده کرده‌اند. اعطای سوسیدهای زیاد به تولیدکنندگان محصولات کشاورزی در کشورهای توسعه‌یافته، نباید نماند. این نمونه‌ها از استفاده گسترده از سیاست‌های صنعتی برای حمایت از جایگاه رقابتی بخش‌های خاص در برابر رقیبان خارجی باشد. این شرایط نگرانی‌ها را به عدم تقارن در استفاده (باسوا استفاده)

در حال توسعه، از اعطای پذیرگی کفافی برخوردار نبوده‌اند. در حقیقت شواهد متناخر نشان از آن دارد که کشورهای توسعه‌یافته، سیاست‌گذاری‌های صنعتی را بسیار بیشتر از کشورهای فرعی و تجربیات می‌کنند، به‌ویژه از زمان بحران مالی سال ۲۰۰۸ که ایالات متحده آمریکا و بسیاری از کشورهای اروپایی، از اشکال مختلفی از محرک‌ها و اقدامات احتیاطی برای نجات مالی شرکت‌های خصوصی استفاده کرده‌اند. اعطای سوسیدهای زیاد به تولیدکنندگان محصولات کشاورزی در کشورهای توسعه‌یافته، نباید نماند. این نمونه‌ها از استفاده گسترده از سیاست‌های صنعتی برای حمایت از جایگاه رقابتی بخش‌های خاص در برابر رقیبان خارجی باشد. این شرایط نگرانی‌ها را به عدم تقارن در استفاده (باسوا استفاده)

مشکلات مشترک و نیز واگرایی در قابلیت‌های مالی و فنی در میان کشورها برای تسلاوی در برخورد با چالش‌ها در این اصل مورد توجه قرار می‌گیرند. این اصل از تمامی کشورها می‌خواهد در تألیف مورد توافق بین‌المللی برای رویارویی با مشکلات مشترک همکاری داشته باشند و این در حالی است که سهم هر کشور در این راه حل‌ها باید متناسب با توانمندی‌ها و ظرفیت‌های آن باشد. توجه به تنوع در شرایط ملی و رویکردهای سیاست‌گذاری هر یک از کشورها، باید به‌عنوان یک ویژگی اصلی در جامعه جهانی مدنظر قرار گیرد. به عبارت دیگر حاکمیت جهانی باید مبتنی بر این واقعیت باشد که کشورها شرایط اولیه متفاوتی داشته و روش‌های متفاوتی را برای دستیابی به اهداف توسعه جهانی به کار می‌بندند. افزایش واگرایی میان کشورهای در حال توسعه و ظهور قدرت‌های اقتصادی در میان آنها ممکن است از نظر اقتصاد سیاسی یافتن راه‌حلی مورد پذیرش برای مشکلات موجود را پیچیده‌تر کند. سختی دستیابی به راه‌حلی مورد توافق برای کاهش انتشار کربن یکی از همین موارد است. با این حال اصل تطبیق مسئولیت با قابلیت باید پایه حاکمیت جهانی باشد تا از رعایت برابری اطمینان حاصل شود. پذیرش تفاوت میان قابلیت‌های کشورها راهی برای سهیم کردن قدرت‌های ظهور یافته در تقسیم مسئولیت‌هاست.

تمرکززدایی: این اصل اشاره می‌کند که مسائل باید به پایین‌ترین سطح دارای توانایی برای بررسی آنها برسد شوند. برخی از موضوعات را می‌توان به صورت موثر در سطح محلی و منطقه‌ای حل و فصل کرده و تعداد موضوعاتی را که لازم است در سطح بین‌المللی و مافوق ملی مورد بحث قرار گیرند کاهش داد. اهمیت بلند پایه برگزیدگان برای برنامه توسعه پس از سال ۲۰۱۵، به عنوان نقش مهم دولت‌های ملی در رویارویی با چالش‌ها را در برنامه توسعه پس از ۲۰۱۵ مدنظر قرار داده است. در عین حال در رابطه با تأثیرات فرعی در کشورهای متفاوت یا در موضوع کالاهای عمومی جهانی، همکاری‌های بین‌المللی برای مواجهه شدن با این نگرانی‌ها ضروری است. اما اصل تمرکززدایی به نقش همکاری‌های منطقه‌ای برای حل موضوعات جهانی نیز توجه دارد. در حقیقت ایجاد هر نوع از مدیریت حاکمیت جهانی می‌تواند مبتنی بر مؤسسات منطقه‌ای و فرعی و تجربیات می‌کنند، به‌ویژه از زمان بحران مالی سال ۲۰۰۸ که ایالات متحده آمریکا و بسیاری از کشورهای اروپایی، از اشکال مختلفی از محرک‌ها و اقدامات احتیاطی برای نجات مالی شرکت‌های خصوصی استفاده کرده‌اند. اعطای سوسیدهای زیاد به تولیدکنندگان محصولات کشاورزی در کشورهای توسعه‌یافته، نباید نماند. این نمونه‌ها از استفاده گسترده از سیاست‌های صنعتی برای حمایت از جایگاه رقابتی بخش‌های خاص در برابر رقیبان خارجی باشد. این شرایط نگرانی‌ها را به عدم تقارن در استفاده (باسوا استفاده)

در حال توسعه، از اعطای پذیرگی کفافی برخوردار نبوده‌اند. در حقیقت شواهد متناخر نشان از آن دارد که کشورهای توسعه‌یافته، سیاست‌گذاری‌های صنعتی را بسیار بیشتر از کشورهای فرعی و تجربیات می‌کنند، به‌ویژه از زمان بحران مالی سال ۲۰۰۸ که ایالات متحده آمریکا و بسیاری از کشورهای اروپایی، از اشکال مختلفی از محرک‌ها و اقدامات احتیاطی برای نجات مالی شرکت‌های خصوصی استفاده کرده‌اند. اعطای سوسیدهای زیاد به تولیدکنندگان محصولات کشاورزی در کشورهای توسعه‌یافته، نباید نماند. این نمونه‌ها از استفاده گسترده از سیاست‌های صنعتی برای حمایت از جایگاه رقابتی بخش‌های خاص در برابر رقیبان خارجی باشد. این شرایط نگرانی‌ها را به عدم تقارن در استفاده (باسوا استفاده)

در حال توسعه، از اعطای پذیرگی کفافی برخوردار نبوده‌اند. در حقیقت شواهد متناخر نشان از آن دارد که کشورهای توسعه‌یافته، سیاست‌گذاری‌های صنعتی را بسیار بیشتر از کشورهای فرعی و تجربیات می‌کنند، به‌ویژه از زمان بحران مالی سال ۲۰۰۸ که ایالات متحده آمریکا و بسیاری از کشورهای اروپایی، از اشکال مختلفی از محرک‌ها و اقدامات احتیاطی برای نجات مالی شرکت‌های خصوصی استفاده کرده‌اند. اعطای سوسیدهای زیاد به تولیدکنندگان محصولات کشاورزی در کشورهای توسعه‌یافته، نباید نماند. این نمونه‌ها از استفاده گسترده از سیاست‌های صنعتی برای حمایت از جایگاه رقابتی بخش‌های خاص در برابر رقیبان خارجی باشد. این شرایط نگرانی‌ها را به عدم تقارن در استفاده (باسوا استفاده)

در حال توسعه، از اعطای پذیرگی کفافی برخوردار نبوده‌اند. در حقیقت شواهد متناخر نشان از آن دارد که کشورهای توسعه‌یافته، سیاست‌گذاری‌های صنعتی را بسیار بیشتر از کشورهای فرعی و تجربیات می‌کنند، به‌ویژه از زمان بحران مالی سال ۲۰۰۸ که ایالات متحده آمریکا و بسیاری از کشورهای اروپایی، از اشکال مختلفی از محرک‌ها و اقدامات احتیاطی برای نجات مالی شرکت‌های خصوصی استفاده کرده‌اند. اعطای سوسیدهای زیاد به تولیدکنندگان محصولات کشاورزی در کشورهای توسعه‌یافته، نباید نماند. این نمونه‌ها از استفاده گسترده از سیاست‌های صنعتی برای حمایت از جایگاه رقابتی بخش‌های خاص در برابر رقیبان خارجی باشد. این شرایط نگرانی‌ها را به عدم تقارن در استفاده (باسوا استفاده)

نگرش و گزینشی آزادانه:

The Department of Economic and Social Affairs of the United Nations Secretariat, Committee for Development Policy (2014). Global governance and global rules for development in the post-2015 era. United Nations Publications (ISBN 1-92-978-2-104689.)